





سرشناسه: آقابابایی، احسان ، ۱۳۶۰-

عنوان: فیلم و ایدئولوژی در ایران: دهه هشتاد، احسان آقابابایی، سیامک رفیعی

مشخصات نشر: تهران، نشر لگا، ۱۴۰۱.

شابک: ۰-۲۳-۷۶۶۸-۶۲۲-۹۷۸. وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: نقد سینما. موضوع: نقد و تفسیر

شناسه افزودن: رفیعی، سیامک. ۱۳۶۹-

رده بندی کنگره: PN ۱۹۹۵

رده بندی دیویی: ۷۹۱/۴۳۰۱۵

شماره کتاب شناسی ملی: ۸۸۸۵۱۹۳



فیلم و ایدئولوژی در ایران

دهه هشتاد

احسان آقابابایی - سیامک رفیعی



فیلم و ایدئولوژی در ایران: دهه هشتاد

نویسندگان: احسان آقابابایی (عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان) - سیامک رفیعی

نمونه خوان: زهرا علی بابایی

چاپ اول، پاییز ۱۴۰۲، ۵۰۰ نسخه

تهران، خیابان انقلاب، چهارراه کالج، ساختمان ۴۰، طبقه دوم، واحد ۵، نشر لگا

تلفن تماس: ۹۹ ۶۵ ۹۶ ۶۶ (۰۲۱)

«کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.»



www.legapress.ir



@lega.press



فهرست مطالب

۶ پیش‌گفتار
۱۱ فصل نخست: گفتمان
۲۱ فصل دوم: سیاست
۳۷ فصل سوم: فرهنگ
۶۷ فصل چهارم: زنان
۱۰۳ فصل پنجم: ایدئولوژی
۱۳۵ نمایه فیلم
۱۳۹ نمایه اشخاص
۱۳۹ نمایه واژگان

پیش‌گفتار

به‌گونه‌ای نابه‌هنگام عمل کردن،
یعنی برخلاف زمان
و بدین سان بر زمان،
و به نفع (امیدوارم) زمانی در آینده.
- فردریش نیچه

ساعت گیج زمان

دهه هشتاد دوره پرمناقشه‌ای در جامعه پساانقلابی ایران است. در این دهه دو گفتمان اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی در جامعه‌ای هژمونیک شدند که تحولات بسیاری را پشت سر گذاشته بود و مسائل تازه‌ای را نیز تجربه می‌کرد. تحولات گسترده‌ای که از دهه‌های پیشین به دنبال مدرنیزاسیون پهلوی دوم و انقلاب ایران روی داده بود، در این دهه خودنمایی می‌کرد. مهاجرت به شهرها باعث رشد شهرنشینی و شکل‌گیری پدیده‌های شهری شده بود. تغییر در سیاست‌های جمعیتی، رشد قابل‌توجه زادوولد را به دنبال داشت و سهم جوانان را در ترکیب جمعیت افزون کرده بود. در پی ازدیاد واحدهای آموزش عالی و ترویج ایده‌های روشنفکری، گروه‌های جدید دانشجویان و نیز زنان تحصیل‌کرده‌ای پرورش یافته بودند که مطالبات تازه‌ای را مطرح می‌کردند. رویدادهای سیاسی جامعه را ملتهب و رفتار سیاسی مردم را متحول ساخته بود. همه این روندها در حالی درون فرهنگ محافظه‌کار ایرانی ساخت می‌یافت که فرهنگ در عصر جهانی‌شدن، بیش‌ازپیش نسبی، ناهمگون و متکثر می‌گشت.

علاوه بر این، ایران دهه هشتاد شکلی از دولت‌سالاری را در خود می‌دید که به دنبال انقلاب و جنگ تقویت شده بود. نهاد‌های اجتماعی به یک نظام دیوانسالاری منظم و منسجم تبدیل نشده بودند و کژکارکردهای اجرایی آن‌ها ادامه داشت. با افزایش نفوذ اینترنت و تزاید دیش‌های ماهواره‌ای، سبک زندگی مدرن‌گرا در جامعه ایرانی هواخواه بیشتری می‌یافت. طبقه متوسط دیگر از گسترش سلامت عمومی، تأمین نان، آب، برق و مدرسه‌سازی راضی نمی‌شد و مطالباتش از سطح نیازهای اولیه گذشته و به وادی میل به مصرف‌تصعید یافته بود. در این دهه جامعه ایرانی کم‌اکنون با مسائلی همچون بیکاری دست‌وپنجه نرم می‌کرد. عدم رشد صنعت و کشاورزی، دلال‌بازی را به حرفه‌ای پرسود بدل کرده بود. نارضایتی عمومی از گوشه‌وکنار جامعه به گوش می‌رسید و تمرکزگرایی افراطی و مشارکت‌ناپذیری مدنی نیز ناخشنودی خواص را به همراه داشت. در پیکره جامعه در حال شدن ایران، ایدئولوژی‌های گوناگونی زیست می‌کردند. تعدادی از این ایدئولوژی‌ها از شکاف‌های قومیتی، مذهبی و جنسیتی تغذیه می‌کردند، برخی از آن‌ها در جریان‌های تاریخی خوراک می‌جستند، پاره‌ای دیگر با حمایت اندیشه‌های اتوپیا می‌تکثیر می‌یافتند و سایرین، یاخته‌هایی از فرهنگ غرب را می‌مکیدند. زیست‌پنهان این ایدئولوژی‌ها در لابه‌لای دگرگشت جامعه، لختی فاش و دوباره پنهان می‌گشت تا بتواند پدیده‌های گوناگون را دست‌کاری کند. در این بین فیلم‌های سینمایی نیز محیط مناسبی برای کشت ایدئولوژی محسوب می‌شدند.

قطعه زمستانی

در این کتاب قطعاتی از ایده‌های نظریه‌های گفتمان و ایدئولوژی را مبنا قرار داده‌ایم. گفتمان برساننده معنا است و از طریق ابژه‌های مادی و کردارهای اجتماعی، موجودیتی خارج از زبان دارد. گفتمان شیوه‌هایی را در برمی‌گیرد که جهان با آن‌ها توصیف و تفسیر می‌شود. ما به پیروی از میشل فوکو، گفتمان را اثر و ابزار قدرت می‌دانیم. گفتمان به مجموعه مشخصی از معانی ارجاع دارد که از طریق صورت‌ها و کاربردهای مختلف بیان می‌شوند و متعلق به نهادها و گروه‌های اجتماعی هستند. دو گفتمان اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی نیز بر این مبنا تعریف‌پذیر هستند. گفتمان اصلاح‌طلبی یک گفتمان دموکرات اسلامی بود که بر مشارکت مردم و زیست آن‌ها در یک جامعه مدنی اصرار داشت و با خوانش به‌روز از آموزه‌های دینی قصد داشت حقوق شهروندی و

۱. بنگرید به: فلاوردی، جان، ریچاردسون، جان (۱۳۹۷). راهنمای گفتمان‌شناسی انتقادی. ترجمه گروه مترجمان، تهران: لوگوس.
Foucault, M. (1978). *The History of Sexuality: the Will to Power (vol.1)*. London: Penguin.

آزادی را در یک نظام مبتنی بر جمهوریت بسط دهد. این گفتمان در نیمه دهه هفتاد با جنبش دوم خرداد به قدرت رسید و نهادها و کردارهای انضمامی خود را از طریق برنامه‌های سوم و چهارم توسعه در زندگی سیاسی ایرانیان ساخت داد. گفتمان اصول‌گرایی، یک گفتمان بنیادگرایی اسلامی بود که بر انضباط اجتماعی و اخلاقی در یک جامعه نبوی پافشاری داشت و با التزام به آموزه‌های بنیادین دین اسلام، عزم داشت تا ارزش‌های سنتی را نهادینه و با کنترل فرهنگی، یک نظام اسلامی اصیل را تداوم بخشد. این گفتمان بعد از انقلاب ۵۷ قدرتی همونیک در ایران یافت و در نیمه دهه هشتاد نهاد ریاست جمهوری را نیز به انحصار درآورد و بر برنامه پنجم توسعه سوار شد.^۱

ایدئولوژی را در تحلیل‌ها، یک تکانه اندیشه‌گانی در نظر می‌گیریم که در رابطه خودانگیزه انسان‌ها با جهان اطراف ما واقع شده است؛ مرزی میان خود و دیگری ترسیم و در راستای حمایت از علایق گروه خودی عمل می‌کند. به این ایده آلتوسر نیز توجه داریم که ایدئولوژی رابطه تخیلی افراد را با شرایط واقعی هستی‌شان بازنمایی می‌کند. ایدئولوژی‌ها برای انتشار معانی مطلوب خود در کالبد جامعه به جریان می‌افتند و به داخل فیلم‌های سینمایی نیز سرریز می‌شوند. بر اساس نظریه رولان بارت، فیلم‌ها به انفجار و انتشار معانی پاسخ می‌دهند. ما می‌انگاریم که فیلم‌ها ممکن است محصول یک گفتمان سیاسی یا مدعی رئالیسم اجتماعی باشند. در هر حال، ایدئولوژی در دو کسوت انتقادی و غیر انتقادی وارد عمل می‌شود و سعی دارد بر سر دال‌ها و گزاره‌ها یخ ببندد و معنای خود را از طریق استراتژی‌های خویش تثبیت کند. این استراتژی‌ها شامل «مشروع‌سازی»^۲، «پنهان‌سازی»^۳، «یکدست‌سازی»^۴، «پراکنده‌سازی»^۵، «مادیت‌سازی»^۶ و دیگر سازوکارها می‌شود^۷، به بیان ساده‌تر، این استراتژی‌ها در فیلم‌ها به کار می‌افتند تا با اقامه

۱. بنگرید به:

Tazmini, G. (2009). *Khatami's Iran: The Islamic Republic and the Turbulent Path to Reform*. I.B.Tauris.

دارابی، علی (۱۳۹۰). جریان‌شناسی سیاسی در ایران. تهران: پژوهشگاه اندیشه سیاسی.

۲. بنگرید به: بشیریه، حسین (۱۳۸۴). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران. تهران: نگاه معاصر.

3. Legitimation

4. Disimulation

5. Ubification

6. Fragmentation

7. Rification

۸. بنگرید به:

Thompson, John (1990). *Ideology and Modern Culture: Critical Social Theory in the Era of Mass Communication*. Stanford University Press.

دلیل، از نهادها و گروه‌های خاص حمایت کنند، منافع طبقات خاصی را به کل جامعه تسری بخشند، به یک پدیده ارزش منفی دهند و از دیگری حسن تعبیر داشته باشند. ایدئولوژی‌ها سعی دارند با دیگری‌سازی، در اردوگاه مخالف و دشمن افتراق ایجاد کنند. درنهایت برای شناسایی این استراتژی‌ها، ایده‌هایی از جان فیسک را اقتباس و ایدئولوژی را از طریق واکاوی ظاهر، رفتار و دیالوگ شخصیت‌ها و همچنین تکنیک‌های فیلم‌سازی همچون نمای دوربین، موسیقی و برخی از اجزای روایت مانند پلات، مکان و زمان، رمزگشایی کردیم.^۱

پشت پردهٔ مه

فیلم‌های سینمای ایران در حالی در دههٔ هشتاد تولید و اکران می‌شدند که متأثر از تحولات جامعهٔ پساجنگ ایران بودند. سینمایی که همواره دولتی و متأثر از سرمایه و صنعت فرهنگی بود، می‌خواست به‌واسطهٔ تغییرات گفتمانی پوست بیندازد و کارکردهای سرگرمی، کارآفرینی و اجتماعی خود را نیز حفظ کند. با این حال، این سینما نه اجازه و نه امکان خودمختاری داشت. چراکه گفتمان‌های سیاسی و فرهنگ عامه، با نفوذ به فیلم‌های سینمایی ایدئولوژی‌های خود را درون آن تکثیر می‌کردند. ایدئولوژی عوامل فیلم‌سازی بر فیلم‌ها بارگذاری می‌شد و سپس به فیلتر دستگاه‌های دولتی و غیردولتی می‌رسید تا درنهایت به مخاطب ایدئولوژی‌زده قالب شود. این ساحت‌های چندگانه، از خاک فرهنگ عامهٔ مردم ایران تغذیه می‌کردند تا عقل سلیم مردم را دست‌کاری، تحریف یا بازتولید کنند.

برخی بر این باور هستند که به‌دلیل دولتی بودن سینما در ایران، محصولات آن به‌تمامی متأثر از گفتمان حاکم است. با این حال، ایدئولوژی انتقادی در لایه‌های پنهان فیلم‌ها به گفتمان حاکم نقب می‌زند چراکه سنت روشنفکری در ایران، همواره در تقابل دولت-ملت رسالت خود را هواخواهی از مردم دانسته است. علاوه بر این، ایدئولوژی‌های دیگری چون زن‌سالاری، مردسالاری، ملی‌گرایی،

۱. بنگرید به: آقابابایی، احسان (۱۴۰۱)، فیلم و جامعهٔ ایرانی. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.

آلتوسر، لویی (۱۳۸۷). ایدئولوژی و سازوکار ایدئولوژیک دولت. ترجمهٔ روزبه صدر آرا، تهران: نشر چشمه.

بارت، رولان (۱۳۷۳). از اثر تا متن. ترجمهٔ مراد فرهادپور. ارغنون، شمارهٔ ۴، صص ۶۶-۵۷.

تامسون، جان (۱۳۷۸). ایدئولوژی و فرهنگ. ترجمهٔ مسعود اوحدی، تهران: پویان.

فیسک، جان (۱۳۸۰). فرهنگ تلویزیون. ترجمهٔ مرگان برومند، ارغنون، شمارهٔ ۱۹، صص ۱۴۴-۱۲۵.

مرکزگرایی، عشق‌ورزی و انضباط در کلیت دست‌نخوردهٔ جامعهٔ ایران در جریان هستند. این ایدئولوژی‌ها گهگاهی به فیلم‌ها سرک می‌کشند و عرض‌اندام می‌کنند. در این کتاب کاربست ایدئولوژی و نیز رابطهٔ آن با گفتمان در فیلم‌های دههٔ هشتاد موردکنکاش قرار می‌گیرد.

مطالعهٔ فیلم‌ها می‌تواند همچون میکروسکوپ زیست ایدئولوژی را درشت‌نمایی کند. این درشت‌نمایی گاه کارکرد انتقادی ایدئولوژی را عیان می‌کند و گاه خطر تثبیت ایدئولوژی و حفظ آن را نیز به همراه دارد، چراکه تلاش برای تحلیل ایدئولوژی همراه با تمام شکاف‌ها و ازجادررفنگی‌های نهفته در آن، ممکن است به تورم معنا و ازدست‌رفتن فرصت برای دیدن بارقه‌ای از حقیقت بیانجامد.

سالاد فصل

برای انتخاب فیلم‌های دههٔ هشتاد به سراغ فیلم‌هایی رفتیم که شکاف‌ها، تمایزات، تناقضات و تزلزلات نظام‌های ارزشی درون زندگی روزمرهٔ انسان ایرانی را اکران می‌کنند. تیترهای انتخاب‌شده برای هر بخش، نام برخی از فیلم‌های این دهه هستند و صرفاً وجهی زیباشناختی دارند. فصل اول، گفتمان و ایدئولوژی نام دارد. در این فصل به زمینه‌های تاریخی حیات گفتمان‌های اصلاح‌طلب و اصول‌گرا می‌پردازیم و تحولات این دو گفتمان را در جامعهٔ پساانقلابی ایران بررسی می‌کنیم. در فصل دوم وضعیت سیاسی دههٔ هشتاد با اتکا به تحولات جهانی و داخلی، عملکرد پلیس، مطبوعات و نخبگان سیاسی در فیلم‌ها ردیابی خواهد شد. بازنمایی واقعیت اجتماعی و کاربست ایدئولوژی در آن، مبنای کار در فصل سوم است. در این فصل نابرابری اجتماعی، ازدواج، فقر، خیانت، آبروداری و پدرسالاری حاکم بر جامعهٔ ایران، در فیلم‌های دههٔ هشتاد تحلیل می‌شود. فصل چهارم به زنان اختصاص داده شده است. بدون شک سهم‌خواهی زنان از مهم‌ترین نشانه‌های دههٔ هشتاد به حساب می‌آید. در این فصل رابطهٔ فیلم، زن و گفتمان واکاوی می‌شود. در فصل پنجم نیز ایدئولوژی‌هایی همچون انضباط، مرکزگرایی، مردسالاری، زن‌سالاری، عشق‌ورزی و ملی‌گرایی در فیلم‌های دههٔ هشتاد برملا می‌شوند.



«فصل نخست»

گفتمان

آری.

رگ‌های ابدی سرنوشت،

از میان ریگ‌ها و الماس‌ها می‌گذرند.

ا.ط

پشت دیوار شب

محافظه‌کاران پیش از خرداد ۱۳۷۶ تمام توان خود را به کار گرفته بودند تا حاکمیت را یکپارچه از آن خود کنند. صاحبان قدرت در حاکمیت و برخی از نهادهای دینی نیز از مدت‌ها پیش کاندیدای اصلح خود را مدنظر داشتند. اما آن‌ها یک چیز را نادیده گرفته بودند: توان سیاسی مردم. مردمی که انبوهی از ناراضی‌ها، سردی و بی‌رغبتی را به یک «نه» تبدیل و در قالب رأی به خاتمی آشکار کردند! به باور اصلاح‌طلبان، این نخستین بار بود که مردم با مشارکت سیاسی می‌توانستند به نحو مسالمت‌آمیزی ناخشنودی‌های خود را از سیاست‌های رفته اعلام کنند. محافظه‌کاران به ناچار باید هشت سال دیگر صبر می‌کردند و با شریک جدید می‌ساختند. به راستی از ابتدای انقلاب ۵۷ اوضاع چگونه پیش رفته بود؟

گفتمان انقلاب اسلامی در طی سال‌های جنگ به شکل مؤثری در جای‌جای کشور گسترش یافته بود. این گفتمان با ایده‌محوری استقلال‌طلبی و برپایی نهادهای بسیج‌کننده، توانسته بود قدرت

و نفوذش را افزایش دهد و بدنه خود را مستحکم کند. با وجود این تلاش‌ها، راهی که انقلاب تا اواخر دهه شصت پیموده بود، گمانه‌زنی‌هایی را در زمینه تحقق آرمان‌ها برمی‌انگیخت. این امر ضرورت یک بازنگری را یادآور می‌شد. در طول دهه شصت، هزینه‌های انسانی و مادی جنگ با عراق در کنار تحریم‌های متعدد اقتصادی، ایران را به تنگنا کشانده بود. بحران‌های اقتصادی-اجتماعی نارضایتی‌ها را افزایش داده بود و ثبات نظام و حاکمیت را به خطر می‌کشاند. علاوه بر این، فروکش کردن تب ایدئولوژیکی و انزوای سیاسی، راه را برای به قدرت رسیدن روحانیان غرب‌محور و طرف‌دار بازار آزاد هموار می‌نمود؛ چنین تحولاتی فصل جدیدی از تاریخ انقلاب را رقم می‌زد؛ فصلی که با فعالیت دولت‌سازندگی آغاز شد.

گفتمان‌سازندگی در بطن دگردیسی‌های جهانی همچون فروپاشی شوروی سابق و فوّران لیبرالیسم متولد شد. ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی دهه اول انقلاب و ضرورت بازسازی ویرانی‌های جنگ، مسیر حرکت اقتصادی جدیدی را ایجاد می‌کرد. این گفتمان باهدف تعدیل اقتصادی، مؤلفه‌های خود را بر اساس حرکت به سمت بخش خصوصی و بازار آزاد صورت‌بندی کرد.

تغییرات حوزه اقتصاد در دیگر حوزه‌های جامعه رخنه کرد و نظام فرهنگی و ارزشی را متحول نمود. ارزش‌های فرهنگی مدرن مانند دموکراسی و آزادی خواهی قد علم کردند و تغییر در سبک زندگی دوران جنگ ضرورت یافت.^۲ مرگ‌اندیشی و مرگ‌هراسی زمان جنگ نیز - که ملال و افسردگی را برای مردم به همراه داشت - با شروع دهه هفتاد، در تقابل دائمی مرگ و زندگی شکست خورد و مردم فریاد زندگی خواهی سر دادند. زمان سخن‌گفتن از تجربه‌های گونه‌گون زیستن فرارسیده بود. فروشگاه‌های بزرگ تأسیس می‌شد و تبلیغات شهری و تلویزیونی، دستور «مصرف کن» را صادر می‌کردند. افزایش ظرفیت کمی آموزش عالی در دوران سازندگی به رشد آگاهی‌ها و البته مطالبات عمومی و گسترش طبقه متوسط تحصیل‌کرده کمک شایانی می‌کرد؛ طبقه متوسطی که «قفتوس‌وار سر از خاکستر برآورده بود»^۳ و هم‌زمان با فربه‌تر شدن، انتظاراتش از حاکمیت روبه‌فزونی می‌رفت.

۱. بنگرید به: فوران، جان (۱۳۸۸). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی. ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات رسا.
۲. بنگرید به: وحدت، فرزین (۱۳۹۳). رویارویی فکری ایران با مدرنیته. تهران: قفتوس.
۳. بنگرید به: قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۹۶). بررسی چهار دهه تحول خواهی در ایران. تهران: نشر روزنه.
۴. بنگرید به: کاظمی، عباس (۱۳۹۵). امر روزمره در جامعه پساانقلابی. تهران: فرهنگ جاوید.

در نقطهٔ مقابل، محافظه‌کاران توجه خود را معطوف به عدالت اجتماعی کرده بودند. برای آن‌ها ولایت اهمیت بسیاری داشت، به نحوی که توسعهٔ اقتصادی و عدالت را حول محور ولایت مفصل‌بندی کرده بودند. آنان تلاش می‌کردند هویت نظام را به نحو بنیادگرایان ابتدای انقلاب معنا بخشند و تأکید بیشتری بر روی آن داشته باشند. چراکه نظام فرهنگی جدید را با ارزش‌ها و هنجارهای آرمانی انقلابیون در تضاد می‌دیدند؛ بنابراین تعجبی نداشت که بحث تهاجم فرهنگی را مطرح کنند و عاملان این هجوم سیاسی- فرهنگی را به عقب برانند.

دولت‌سازندگی در دستیابی به اهداف خود در زمینهٔ رشد اقتصادی ناکام ماند. سیاست‌های تعدیل اقتصادی از نقاط ضعف اصلی گفتمان سازندگی به شمار می‌رفت؛ چراکه ایران را به تورم ۴۹ درصدی کشاند و باعث افزایش شدید فساد و رشد اقتصاد رانتی شد. این سیاست‌ها مناسبات اجتماعی را مبادله‌ای و پولی می‌کرد و همچنین باعث افزایش فشارها و ناراضی‌های طبقهٔ متوسط و پایین جامعه و در نتیجه اعتراض آن‌ها می‌شد. در این شرایط، جامعه‌گفتمان جدیدی را طلب می‌کرد؛ گفتمانی که هم بتواند از بحران‌ها و مصائب موجود گذر کند و هم با گسترش فضای سیاسی، پاسخ‌درخوری برای شرایط نوین سیاسی و اجتماعی داشته باشد. فضای ایدئولوژیک اوایل انقلاب، جاذبه و تأثیرگذاری سابق را نداشت. رفته‌رفته شرایط برای ایجاد تغییر مهیا می‌گشت.

روزی که هوا ایستاد

انتخاب خاتمی در خرداد ۱۳۷۶، شکل‌گیری یک جامعهٔ دموکراتیک را در اذهان عمومی نوید می‌داد. جویندگان دموکراسی به آیندهٔ سیاسی کشور امید داشتند. جریان چپ سنتی پس از هشت سال تعلیق تحت عنوان نیروی اصلاح‌طلب پا به عرصهٔ سیاست گذاشت تا از این فرصت برای سهم‌خواهی قدرت استفاده کند. این نیرو با نقد وضعیت حاکم و دعوی فراهم‌کردن فضای آزاداندیشی، توانست مردم را از حاشیه به متن بکشاند. هدف این جریان، دموکراتیزه کردن مناسبات درون حاکمیت و توزیع دوبارهٔ قدرت بود. پشتیبانان نامزدی خاتمی پس از پیروزی در انتخابات، خود را تحت عنوان جبههٔ دوم خرداد و زیر سایهٔ گفتمان اصلاح‌طلبی معرفی کردند و قصد داشتند فضای تازه‌ای را در تاریخ معاصر ایران به وجود بیاورند.

مطبوعات منتقد گفتمان سازندگی همچون سلام، توس، آدینه، ایران فردا و کیان، بستر تولید و رشد گفتمان اصلاح‌طلبی را مهیا کرده بودند. در واقع امر، خاتمی در واپسین ماه‌های حضورش

در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فضای جدیدی را گشود.^۱ این نشریات مجوز انتشار خود را در زمان گفتمان سازندگی گرفته بودند و حتی تعدادی از آن‌ها در آن دوران توقیف شدند. نقش آن‌ها در راستای گشایش محدود فضای سیاسی بسیار چشمگیر بود؛ به این جهت که خواستار دگرگونی وضع موجود و ایجاد میل به تغییر در فضای فکری طبقه متوسط شدند.

نشریات جریان‌ساز عامل مهم و اساسی گسترش جریان روشنفکری دینی بودند. نواندیشان دینی با استفاده از تفسیرهای تأویلی و خوانش‌های نوین از متون و آموزه‌های اسلامی، نظریه‌پردازان گفتمان اصلاح‌طلبی به حساب می‌آمدند. اینک نوبت ایشان بود که با بهره‌گیری از مطبوعات، اندیشه خود را به آزمون بگذارند. این دسته از روشنفکران و نوگرایان دینی، از یک سو آن بخش از آموزه‌های اسلام را برجسته کردند که با روند مدرنیته سازگاری بیشتری داشت و از سوی دیگر، سنت‌گرایی را به حاشیه راندند و این تعابیر را واسازی کردند. آن‌ها سعی داشتند اصول، آرمان‌ها و ارزش‌های اسلام را با شرایط مدرنیته سازگار کنند و از این طریق به اصلاحات اساسی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بپردازند. نوگرایی دینی در مباحث پلورالیستی و هرمنوتیکی ریشه داشت و با تفکیک میان ماهیت دین و آموزه‌های انسانی، هیچ معرفتی را حقیقی و آسمانی تصور نمی‌کرد و تفاوتی میان ادیان وحیانی و غیر وحیانی قائل نمی‌شد. این نگرش، تشخیص دین و چگونگی تفسیر آن را شخصی و انفرادی می‌دانست. البته خوانش‌های نوین به متون دینی محدود نماند و به ارائه تفسیرهای آزادی‌خواهانه و مردم‌سالارانه از قانون اساسی منجر شد. جریان روشنفکری دینی از این رو که در زمینه گسترش حقوق شهروندی کوشش می‌کرد و به حقوق بشر و آزادی وی توجه ویژه‌ای داشت، برای طبقه متوسط بسیار جذاب بود.

گفتمان اصلاح‌طلبی که از ابتدای انقلاب به حاشیه رانده شده بود، در تجددخواهی نیز ریشه داشت. در واقع گفتمان مسلط دینی از همان اوان سعی داشت اسلام، روحانیت، فقه و ولایت را برجسته کند و جمهوری، مردم، قانون‌گرایی و تجددخواهی را پس بزند. اما وضعیت دگرگون گشته بود. افزایش نسل جوان، ترکیب جمعیتی کشور را تغییر می‌داد. شهرنشینی و شهرگرایی و توقعات رفاه‌طلبانه، ارزش‌ها و هنجارهای سنتی را به چالش می‌کشید. تحولات گسترده تکنولوژیک در حال وقوع بود. در فرایندهای ارتباطی انقلابی گسترده به وجود آمده بود و نسل جدیدی از

۱. بنگرید به: خلجی، عباس (۱۳۹۶). ناسازهای نظری و ناکامی سیاسی گفتمان اصلاح‌طلبی (۱۳۷۶-۱۳۸۴). تهران: نشر بوی کاغذ.

نخبگان سیاسی پرورش یافته بودند که آگاهی‌های سیاسی جامعه را ارتقاء می‌بخشیدند.^۱ گفتمان اصلاح طلبی در پاسخ به تعارضات و ناکارآمدی‌های گفتمان حاکمیت اقتدارگرا و پدرسالار سنتی که جایگاه خود را مسلط و گفتمان‌های غیر را معنزدایی کرده بود، به تدریج بر پایه‌های نوگرایی دینی استوار شد. این گفتمان حول نقطه کانونی مردم و با تأکید بر قانون‌گرایی، جامعه مدنی و آزادی، هویت خود را معنا می‌کرد. گفتمان اصلاحات ضمن اینکه به ساختارشکنی محور بنیادین گفتمان رقیب - یعنی تقدس مآبی و ارزش‌مداری - می‌پرداخت، دستیابی به حاکمیت قانون و هنجارهای قانونی را در هویت خویش معنا می‌بخشید.

ناکامی اقتصادی حاصل از افراط و تفریط اعمال شده در گفتمان سازندگی، مسیر گفتمان اصلاحات را برای تغییرات اقتصادی هموار کرد. اصلاح نظام مالیاتی، رفع موانع غیر تعرفه‌ای در حوزه صادرات و واردات، اصلاح نظام گمرکی و تعرفه‌ای، اتخاذ مشی نرخ ارز شناور هدایت شده از سوی دولت، تصویب قانون سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، تنظیم روبه‌های مناقصات دولتی و ایجاد نهاد حساب ذخیره ارزی، از اصلاحات ساختاری در عرصه اقتصاد بود.^۲ سیاست‌های گفتمان اصلاحات در عرصه اقتصاد بازارمحور و پیوند با اقتصاد جهانی، با مجموعه‌ای از موانع داخلی و خارجی روبه‌رو شد.

مشکلات و بحران‌هایی که در حوزه سیاست و اقتصاد برای گفتمان اصلاحات به وجود می‌آمد، رفته‌رفته عاملی برای به محاق رفتن این گفتمان در سپهر سیاسی ایران شد. یکی از بحث‌های ثابت مطبوعات در سال‌های آغازین دهه هشتاد، سخن از اقتصاد، تورم و مشکلات معیشتی بود. این امر نارضایتی عموم را از عملکرد اقتصادی این گفتمان نشان می‌داد. در یک پیمایش میدانی از مردم سؤال شده بود که اگر به جای یکی از مسئولین کشور بودند، مهم‌ترین کاری که انجام می‌دادند چه بود؟ در حدود ۴۵ درصد از پاسخگویان بیان نمودند که به مشکلات مردم رسیدگی می‌کردیم و حدود ۲۵ درصد اعلام کردند که گرانی و تورم را از بین می‌بردیم. ۱۶ درصد گفته بودند مشکل مسکن را حل می‌کردیم و ۱۴ درصد بر این موضوع تأکید داشتند که فرهنگ و آموزش را ارتقا می‌دادیم. نتایج پیمایش ملی نیز نشان می‌دهد که ۹۳/۷ درصد ایرانیان بیکاری را در ایران

۱. بنگرید به: اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۹). نقد و ارزیابی گفتمان‌های اجتماعی - سیاسی مطرح در جمهوری اسلامی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲. بنگرید به: عبداللهی، حسین (۱۳۹۷). جهانی‌شدن اقتصاد و ساختار طبقات اجتماعی در ایران. تهران: ثالث.